

بررسی نقش و جایگاه رسانه در جنبش های اجتماعی نوین

مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۲۸-۱۶

زهره محمدی^۱، محمد پاوند پوری^۲، محمد رحیم عیوضی^۳

^۱ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین.

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران.

^۳ استاد و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران.

نام نویسنده مسئول:

زهره محمدی

چکیده:

آنچه مسلم است امروزه رسانه ها جزء اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی بشر قرار گرفته اند و اساساً نمی توان نقش رسانه ها را در این زندگی نادیده انگاشت. در واقع رسانه و فناوری های ارتباطی به دلیل رشد و پیشرفت سریع، تمام سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار داده اند. و منجر به دگرگونی و تغییرات روزافزون در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان ها گشته اند. اما با این وجود یکی از بخش هایی که در حوزه مسائل اجتماعی متأثر از حضور و عملکرد رسانه های نوین می باشد، به مبحث جدیدی تحت عنوان جنبش های اجتماعی نوین در جوامع امروز برمی گردد. بنابراین بررسی اینکه رسانه چه تاثیری بر پدیده جنبش های اجتماعی نوین داشته است؟ محوریت اصلی این پژوهش را به خود اختصاص می دهد که سعی می شود تا با بکارگیری یک روش توصیفی- تحلیلی، در کنار استفاده از منابع موجود اینترنتی و کتابخانه ای، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. همچنین یافته های پژوهش نیز حاکی از آن است که رسانه، با وجود قابلیت های متنوعی که دارد توانسته است در ابعاد مختلف بر جنبش های اجتماعی نوین تاثیر گذار می باشد.

کلیدواژه: رسانه، شبکه اجتماعی، کارکردها، جنبش های اجتماعی، جنبش های اجتماعی نوین.

مقدمه؛

در جهان امروز، وسایل ارتباط جمعی - روزنامه، رادیو، تلویزیون و سینما - با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی به عهده گرفته اند. به طوری که بسیاری از دانشمندان، عصر کنونی زندگی انسان را «عصر ارتباطات» نام گذاشته اند. فراوانی جمعیت، تمرکز گروه های وسیع انسانی در شهرهای بزرگ، شرایط خاص تمدن صنعتی و پیچیدگی وضع زندگی جمعی، وابستگی ها و همبستگی های ملی و بین المللی، ناامنی ها و بحران ها، تحول نظام های سیاسی و اجتماعی، دگرگونی مبانی فرهنگی، ترک سنت های قدیمی و مخصوصاً بیداری وجدان اجتماعی، همه از جمله عواملی هستند که روزه روز نیاز انسان را به آگاهی از تمام حوادث و وقایع جاری محیط زندگی بیشتر می کنند. تا جایی که پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و توسعه اقتصادی و تحکیم مبانی دموکراسی و تفاهم بین المللی، لازم و ملزوم یکدیگر شده اند. (معمدنژاد، ۱۳۹۴: ۱) به عبارتی جهان به دلیل رشد روزافزون فن آوری و تکنولوژی، شاهد شکل گیری عرصه های جدید در سیاست، فرهنگ و اقتصاد است. در این شکل گیری جدید، ابزارهای نوین اطلاع رسانی، نقش کلیدی ایفا می کنند؛ به گونه ای که شهروندان امروز دهکده جهانی، در اوج پیشرفت های مادی و تکنولوژی، به راحتی در تسخیر شبکه ها و ابزار های نوین رسانه ای قرار گرفته اند و می توان اعتراف کرد که انسان امروز از یک منظر، همدم و همراهی نزدیک تر از این ابزارها ندارد. (نگارش، ۱۳۹۱: ۴۹)

با این وجود می توان گفت که رسانه از جایگاه و اهمیت بسیار زیادی در جوامع انسانی برخوردار است و با وجود قابلیت هایی که دارد توانسته است که به نحوی تمامی ابعاد زندگی انسان را تحت تاثیر خود قرار دهد و در تحولات مختلف تاثیرگذار باشد. اما یکی از بخش هایی که رسانه و بویژه رسانه های نوین امروزه در آن نقش آفرینی می کنند و توانسته اند منجر به ایجاد تحولاتی در آن گردند، را می توان در امور مسائل اجتماعی و به ویژه در مورد پدیده جنبش های اجتماعی نوین مشاهده نمود. پدیده ای که مربوط به دوران اخیر می باشد و پیدایش و ظهور آن منوط به شرایط و عوامل مختلفی، از جمله فناوری وسایل ارتباطی است که در روزگار کنونی ظهور و بروز پیدا کرده اند و منجر به تفاوت های قابل توجهی با همون خود (جنبش های اجتماعی کلاسیک)، در دوران گذشته شده اند.

لذا بررسی همین موضوع، یعنی نقش و جایگاه رسانه، و بویژه رسانه های نوین در ایجاد تحولات مختلف در جنبش های اجتماعی و پیدایش جنبش های اجتماعی نوین، هدف اصلی این پژوهش می باشد. که سعی می شود تا با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی موجود و نیز بکارگیری روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار گیرد. و بر همین اساس ساختار این پژوهش به این نحو می باشد که در ابتدا به تشریح جایگاه رسانه در دنیایی امروز پرداخته خواهد شد و بعد سعی می شود در سه محور ارتباط مابین رسانه و جنبش های نوین مورد بررسی قرار گیرد. که در ابتدا به موضوع پیدایش جنبش های اجتماعی نوین و نقش رسانه در آن خواهیم پرداخت. در کنار آن سعی می شود به تاثیرات رسانه در خلق قابلیت های جدید برای جنبش های اجتماعی نوین پرداخته شود و در قسمت بعد به موضوع تحولات صورت گرفته توسط رسانه در کارکرد های جنبش های اجتماعی نوین بررسی خواهد شد. و در نهایت، قسمت پایانی پژوهش به بیان یافته های پژوهش و ارائه نتیجه گیری بحث اختصاص خواهد داشت.

جایگاه رسانه در دنیایی امروز؛

نگاهی به جایگاه رسانه در عصر حاضر برای دست یابی به شناخت بهتر از ارتباط مابین رسانه و وسایل ارتباطی با جنبش های اجتماعی نوین، به نظر ضروری می باشد. در واقع شناخت این که رسانه بر چه ابعادی از تحولات جامعه ی انسانی تاثیرگذار است و از چه نقش و اهمیتی برخوردار است، می تواند در بررسی بهتر موضوع و دست یابی به نتیجه، مفید واقع شود. بنابراین رسانه در ساده ترین تعریف، ابزاری است که اطلاعات در اختیار ما قرار می دهد. بنابراین انسان، نخستین رسانه است. اما با گذشت زمان، وسایل ارتباط انسان با انسان فراتر رفته و به ارتباط انسان با ابزارهای مصنوعی مبدل شده است. (رازقی، ۱۳۸۴: ۱۷) با این حال نگاهی به تحولات تاریخی رسانه ها در آستانه قرن بیست و یکم، نشانگر آن است که تفکر انسان تا چه حد به ابزار های ارتباطی، از زبان، به عنوان نخستین وسیله ارتباطی گرفته تا ابزارهای پیچیده انتقال اطلاعات مانند خطوط الکترونیکی و نیز ماهواره های فضایی مدیون است. اگر این ابزارهای ارتباطی وجود نداشت، تفکر هم وجود نمی داشت؛ انسان در آغاز به مدد زبان توانست پدیده ها و قوانین و اشیاء را نامگذاری کند و از این طریق، مفاهیمی را اثبات و مفاهیم دیگری را نفی کند و در مجموع بیندیشد که با پیچیدگی جوامع و ابزارهای ارتباطی متناسب با آنها، اطلاعات و مهارت ها را تا منزلگاههای دور، و به دیگران منتقل سازد و از اطلاعات دیگران بهره بگیرد و به توانایی هایی که امروزه شاهد آن هستیم دست یابد. (دادگران، ۱۳۹۲: ۵)

به بیان دیگر، می توان گفت بدون رسانه، جهان امروز شناختنی نیست. انسان امروز نیز انسان رسانه ای است؛ مصرف رسانه جزء لاینفک حیاتی انسان جدید است، نه تنها انسان شهرنشین، که انسان روستایی، عشایری و حتی چوپان در بیابان؛ رسانه ها به نوعی مونس تنهایی انسان جدید نیز هستند؛ ارتباطات انسان با انسان در بسیاری از موارد جای خود را به ارتباط انسان با رسانه داده است، انسان رسانه ای دارای شخصیت چند لایه است، از سویی لایه قومی- ملی را دارا است، از سوی دیگر لایه جهانی را در شخصیت جای می دهد. (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۳۰) در حقیقت انسان ها امروزه در معرض نهادهای رسانه ای متولد می شوند، می اندیشند، دنیا را در این رهگذر می شناسند و رفتارهای خود را براساس الگوهای برگرفته از رسانه ها از جمله رادیو، تلویزیون، کتاب، مجله، فیلم، ماهواره، و اینترنت سامان می دهند. از این رو می توان گفت در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، مخاطبان بخش عظیم فرهنگ، ارزش ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از طریق رسانه ها دریافت می کنند. (فولادی، ۱۳۹۱: ۱۹۶) با این وجود، امروزه رسانه های جمعی و تجهیزات و امکانات مرتبط با آنها به مهم ترین منبع قدرت نرم کشورها تبدیل شده اند. نقش مسلط رسانه ها در شکل دهی، جهت دادن و مدیریت افکار عمومی، امروزه بر هیچ کس پوشیده نیست. از این رو، رسانه های جمعی منبع مهم قدرت در جهت منافع افراد، گروه ها و کشورها به شمار می روند. وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها، هم ابزار قدرت غیرمادی و هم منبع قدرت اند. (باقری هشی، ۱۳۹۲: ۳۳)

اما در مجموع با توجه به مطالب ذکر شده، آنچه که می توان برداشت نمود این است که اولاً؛ اهمیت و تاثیرگذاری رسانه، به ویژه در تحولات جوامع امروزی غیرقابل انکار است و همچنین نمی توان بدون شناخت و در نظر گرفتن این ابزار، به درک درستی از جامعه ای امروزی و تحولات در حال وقوع در آن دست یافت. و شاید به جرئت بتوان گفت که امروزه دیگر نمی توان هیچ تحولی بدون نقش آفرینی رسانه متصور بود. ولی در کنار آن، بعد اساسی نقش آفرینی رسانه، امروزه در عرصه اجتماعی و تحولات مربوط به آن، به مبحث جنبش های اجتماعی و تحولات صورت گرفته در این جنبش ها برمی گردد. تحولاتی که بشدت وابسته به رسانه و وسایل ارتباط جمعی می باشند. و امروزه ما این جنبش ها را تحت عنوان جنبش های نوین اجتماعی می شناسیم.

پیدایش جنبش های اجتماعی نوین؛

اما در ارتباط با چگونگی پیدایش جنبش های اجتماعی نوین و نقش رسانه در این رابطه، ابتدا می توان بحث را این گونه آغاز نمود که یکی از مسائل اساسی در هر دوره تاریخی از جوامع انسانی، شکل گیری جنبش های اجتماعی در اشکال مختلف آن، از مسالمت آمیز گرفته تا خشونت بار می باشند. این پدیده از همان آغاز شکل گیری جامعه و حکومت به وجود آمده و تا به امروز نیز ادامه دارد و با توجه به تحولات مختلف، نوع و شکل آنها نیز تغییر می یابد. در واقع جنبش های اجتماعی در سراسر تاریخ، اهرم های تغییر اجتماعی بوده اند و همچنان هم خواهند بود. به همین خاطر کسب قدرت برتر به منظور غلبه و بهره مندی از امکانات بیشتر، موقعیت بهتر و یا دفع سلطه، سبب شکل گیری تاریخ سیاسی پرتنشی شد که جنبش های اجتماعی یکی از نمونه های بی شمار آن به حساب می آیند. بنابراین جنبش های اجتماعی یکی از ده ها مواردی هستند که از زمان تشکیل جامعه به وجود آمده و تاکنون نیز ادامه دارند. اما یک جنبش اجتماعی شامل هرگونه حرکتی برای ایجاد تغییرات و یا جلوگیری از تغییرات جزئی یا کلی در یکی از حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یا همه آن ها می گردد که از حمایت بخشی از مردم و نیروهای اجتماعی برخوردار باشد. این تعریف شامل تمامی انواع انقلاب ها، شورش ها، قیام ها، جنگ های داخلی و کودتاهایی که مورد حمایت مردم قرار گیرد، در همه دوره های تاریخی می شود. (رهبری، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۱) همچنین جنبش های اجتماعی به عنوان شکل خاصی از رفتار جمعی است که در آن انگیزه اقدام عمدتاً از تلقی ها و آرمان های اعضای جنبش سرچشمه می گیرد، و نوعاً درون چارچوب سازمانی ضعیفی عمل می کند. (هیوود، ۱۳۹۳: ۴۰۷) در کنار این خودجوش بودن و نیز کنشی هدف دار و برنامه ریزی شده برای پیگیری هدف اجتماعی از جمله دیگر فاکتورهای آن است. و نیز جنبش های اجتماعی در بسیاری از اشکال و در سطوح مختلف به منظور تغییر و دگرگونی جوامع اجرا شده است. (Rohr Lopes, 2014: 2) اما امروزه با گذر زمان و نیز در نتیجه وقوع پدیده هایی همانند انقلاب ارتباطات و فناوری اطلاعات، و نیز فرآیند جهانی شدن، در کنار ظهور اندیشه های مکتب پست مدرنیسم و شکل گیری طبقه متوسط جدید، شاهد تحول اساسی در روند پیدایش و ظهور جنبش های اجتماعی هستیم. که در این بین نقش رسانه و فناوری اطلاعات به دلیل وجود قابلیت های موجود در آن مشهودتر است و هدف این پژوهش نیز بررسی این مورد می باشد.

به بیان دیگر در عصر حاضر، که بیشتر تحت عنوان عصر ارتباطات و اطلاعات شناخته می شود، رسانه و فناوری های نوین ارتباطی نقش مهمی در تحولات مختلف سیاسی و اجتماعی، به ویژه در شکل گیری و جهت دهی افکار عمومی ایفا می کنند. در واقع با ظهور و گسترش ارتباطات الکترونیک و به تبع آن کاربرد شبکه های اجتماعی، تعامل های اجتماعی را دچار تحول شگرفی نموده است. این شبکه ها به عنوان فراهم

کننده راه جدیدی برای برقراری ارتباط و به اشتراک گذاری محتوا در اینترنت مورد توجه قرار گرفته اند و امروزه، صدها میلیون نفر از کاربران اینترنت در شبکه های مختلف اجتماعی عضویت دارند. (ابراهیمی فر، یعقوبی فر، ۱۳۹۳: ۶۹) عضویتی که خود زمینه ساز پیدایش جنبش های اجتماعی نوین در عصر حاضر گردیده است. در واقع یکی از تأثیرات مهمی که رسانه های نوین در تحولات اجتماعی داشته اند، زمینه سازی و کمک به پیدایش جنبش های اجتماعی در عصر نوین می باشد. به نحوی که می توان گفت یکی از تمایزهای اساسی جنبش های اجتماعی جدید از جنبش های کلاسیک، آن است که جنبش های جدید به شدت رسانه ای شده اند و به ویژه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، عمدتاً به فناوری های جدید یعنی ماهواره ها و عمدتاً اینترنت وابسته شده اند. (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۲۶۱)

به بیان ساده تر برای توضیح نقش رسانه در چگونگی پیدایش جنبش های اجتماعی نوین می توان گفت که یک جنبش اجتماعی که در اثر نارضایتی در زمینه های اقتصادی، نهادی و اجتماعی یک کشور شکل می گیرد، مشروط به دسترسی آن به رسانه های اجتماعی است. این نارضایتی را می توان ناشی از تغییر در حوزه اجتماعی، سیاسی و یا شرایط اقتصادی، یا بدتر از آن دانست. اما ساختار بسیج شبکه های اجتماعی و منابع لازم برای بسیج مردمی، که در این مورد شامل رسانه های اجتماعی به عنوان سریع ترین و ارزان ترین راه برای بسیج است، هر دو جنبه برای ظهور جنبش های اجتماعی لازم می باشد. (Rohr Lopes, 2014: 4) به عبارت دیگر جنبش های نوین اجتماعی دقیقاً ارگان هایی هستند که مشکلات را درک می کنند و آنها را وارد دستور کار عمومی می سازند. بر این اساس، جنبش های نوین اجتماعی هدفشان ایجاد و انتشار اطلاعاتی است که به طور مستقل از نیاز های ادارات و بازار پدید می آید. ساختار نامنسجم اینترنت، بنابر تحلیل آیرمن و جیمسون این امکان را برای جنبش های نوین اجتماعی فراهم می سازد تا به فرآیند هایی در حال شکل گیری تبدیل شوند که محصول یک رشته برخورد های اجتماعی هستند. (سالتر، ۱۳۸۳: ۱۴۲) در حقیقت فعالان سیاسی از ابزار جدید ارتباطی به ویژه اینترنت و رسانه های دیجیتال به عنوان ابزاری برای نشان دادن تخلفات دولتی، گسترش و رشد روزنامه نگاری شهروندی، شکل دادن به افکار عمومی و سازمان دهی بسیج شهروندان برای مبارزه با استبداد استفاده می کنند؛ فیس بوک ابزاری برای پیدا کردن افراد با عقاید سیاسی مشابه و برنامه ریزی اعتراضات خیابانی، یوتیوب در رشد روزنامه نگاری شهروندی از طریق پخش فیلم های فعالان سیاسی در سراسر جهان مؤثر واقع شد و پیام کوتاه و تویتر نیز برای هماهنگی و ارتباط بین شهروندان مورد استفاده قرار گرفته شدند. (عباس زاده، ۱۳۹۳: ۷۳)

در مجموع در رابطه با نقش رسانه ها در پیدایش و ظهور جنبش های نوین اجتماعی می توان گفت که شبکه های ارتباطی دیجیتال بخشی جدایی ناپذیر در عملکرد و سازمان این جنبش ها هستند. جنبش های اجتماعی شبکه ای شده ی زمان ما تا اندازه ی زیادی مبتنی بر اینترنت اند که بخشی لازم اما نه کافی برای کنش جمعی آن هاست. شبکه های اجتماعی دیجیتال مبتنی بر اینترنت و پلتفرم های بی سیم، ابزارهایی اساسی برای بسیج، سازماندهی، هم اندیشی، هماهنگی و تصمیم گیری اند. با این همه، اینترنت فقط ابزار نیست: اینترنت شرایط را برای شکلی از عمل مشترک فراهم می کند که به جنبش بی رهبر امکان بقا، هم اندیشی، هماهنگی و گسترش می دهد. این فناوری با حفظ ارتباط میان مردم در درون جنبش و با جامعه به طور کلی، در راه طولانی تغییر اجتماعی که نیازمند غلبه بر سلطه ی نهادینه شده است، از جنبش در مقابل سرکوب فضاهای فیزیکی آزاد شده اش محافظت می کند. (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۹۴) در واقع رسانه و شبکه های ارتباطی فراهم کننده نوعی فضای خودمختار برای ظهور جنبش های اجتماعی هستند. و از نمونه های این نوع جنبش ها می توان به موارد اخیر از قبیل جنبش سیاتل در سال ۱۹۹۹ و یا واشنگتن در سال ۲۰۰۰ و یا جنبش وال استریت در سال ۲۰۱۲، همچنین به جنبش های اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اشاره کرد که از فراخوان های اینترنتی و شبکه های ارتباطی بی سیم مبتنی بر شبکه های اجتماعی جهت ظهور خود استفاده نمودند.

رسانه های اجتماعی و تأثیر آن در ایجاد توانایی های جدید برای جنبش های اجتماعی نوین؛

در حقیقت تأثیر رسانه بر جنبش های اجتماعی، تنها در چگونگی پیدایش و ظهور جنبش های اجتماعی نوین محدود نمی شود، بلکه رسانه های نوین توانسته اند در مواردی همچون؛ نوع تعامل، امکان جذب حامی، بازتاب اقدامات جنبش ها و همچنین چگونگی جذب امکانات نیز برای جنبش های نوین مؤثر واقع شوند. به بیان دیگر وجود رسانه های نوین اجتماعی توانسته است زمینه ساز تحولات خاصی در جنبش های اجتماعی به ویژه در عرصه ارائه توانایی های جدید برای جنبش های نوین باشند. مواردی که خود نقش اساسی در حیات و تداوم جنبش های اجتماعی نوین دارند و از اهمیت زیادی برای این جنبش ها برخوردار است. در زیر به تشریح آنها خواهیم پرداخت:

۱) تعامل دوسویه و نیز مشارکت برای فرد و اعضای جنبش؛ از جمله تأثیرات رسانه های نوین بر جنبش های اجتماعی، به تحول در نحوی تعاملات و مشارکت هرچه بیشتر افراد در فعالیت های جمعی مربوط می شود. در توضیح می توان گفت که زمانی مکانیسم های ارتباطی در درون جوامع بسیار ابتدایی و عقب مانده بودند و از ارتباطات چهره به چهره آن سوتر نمی رفتند تا این که به دلیل گسترش فن آوری از یک

سو و گسترش ذخیره ی اطلاعاتی آدمیان از سوی دیگر مکانیسم ها گسترده تر شدند و ارتباطات میان فردی و چهره به چهره پیچیده تری تبدیل شدند. چنان که امروز از ارتباطات مجازی سخن در میان است و آدمیان در گوشه و کنار جهان بدون وجود مرزهای جغرافیایی با هم در ارتباط اند. فاصله های زمانی - مکانی از میان برداشته شده است، انواع و اقسام وسایل ارتباط جمعی به وجود آمده است و روز به روز بر دامنه و تنوع این رسانه ها افزوده می شود. (نصرتی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۳۸) با این حال، شرایط به وجود آمده در عرصه ارتباطات و رسانه، تاثیرات بسزایی بر جنبش های اجتماعی برجای گذاشته است. هر چند در این میان نقش شبکه های اجتماعی واضح تر است. شبکه های اجتماعی از سویی به عنوان نسل پیشرفته رسانه های اجتماعی امکانات تعاملی قابل توجهی برای کاربران اینترنتی فراهم می آورند. این امر افزایش مشارکت شهروندان در برخی فرآیندها سیاسی و اجتماعی را در برداشته است. ویژگی تعاملی بودن شبکه های اجتماعی باعث شده که همه روزه طیف گسترده ای از موضوع های متنوع به شکل آنلاین در این شبکه ها اتفاق می افتد. بخشی از موضوع ها در مورد کارها و مسایلی است که کاربران دوست دارند در زندگی واقعی خود و در آینده نزدیک انجام می دهند. گاهی اوقات این موضوع ها می تواند به فرصت های بزرگی مانند مشارکت در پروژه های سیاسی و اجتماعی منجر شود. مصداق بارز این مشارکت سیاسی اجتماعی را می توان در جریان حرکت های ضد دولتی در کشورهای عربی مشاهده کرد. (کبریایی زاده، ۱۳۹۰: ۳۳)

در هر صورت فن آوری های نوین ارتباطی، از طریق اینترنت، فضایی را فراهم کرده اند که نه تنها جامع انواع تعامل و ارتباط رسانه های سنتی است، بلکه محدودیت یک سویه بودن و منفعل بودن مخاطبان را از میان برداشته است. «همزمانی» را می توان در نظام های ویدئو- کنفرانس و چت، و تعامل «چندسویه» را در گروه های مباحثه، فهرست های پستی و چت تجربه کرد. (خانیکی، بابایی، ۱۳۹۰: ۸۰) به نوعی یکی از مهم ترین پیامدهای اینترنت در جنبش های اجتماعی، شکل دادن به گونه ای جدیدی از تعامل میان کنشگران یک جنبش باشد. فضای مجازی علاوه بر این که می تواند صدای رهبران و سطوح بالای جنبش را در کوتاه ترین زمان به سطوح پایین تر و به جمعیت برساند، چگونگی تعامل میان رهبران و جمعیت را نیز دچار تحولاتی چشمگیر می کند. اینترنت این فرصت را در اختیار جنبش قرار می دهد که علاوه بر رابطه متعارف از بالا به پایین و یک طرفه رهبران با جمعیت، رهبران و سازمان دهندگان نیز آرا و عقاید و تقاضاهای سطوح پایینی جنبش و جمعیت را شنیده و با آنها به تعاملی دو طرفه برسند. (موثقی گیلانی، عطارزاده، ۱۳۹۱: ۱۷۸-۱۷۹) بنابراین در مجموع می توان گفت که تاثیر رسانه های نوین بر تعاملات جنبش های اجتماعی منجر به شکل گیری اجتماعات آنلاین از یک سو و نیز از سوی دیگر، توان درگیر شدن و مشارکت هر چه بیشتر افراد در جریان مسائل مختلف و همچنین همبستگی میان آنها را در پی داشته است.

۲) تسهیل در جذب امکانات و عوامل مورد نیاز برای فعالیت جنبش های اجتماعی: در گذشته جنبش های اجتماعی کلاسیک به منظور تحقق اهداف و اقدامات خود، به دلیل کمبود امکانات به ویژه در جهت هماهنگی میان اعضای و همچنین آموزش و اطلاع رسانی به آنها با مشکلات زیاد مواجه بودند. اما رشد و گسترش رسانه های اجتماعی نوین توانست در بسیار از موارد برای تامین این نیازمندی ها موثر باشد. به نحوی که امروزه با استفاده از رسانه های اجتماعی، شهروندان عادی نیز قادر به اتصال و سازماندهی خود با کمترین هزینه ها می شوند و جهانیان را نسبت اعمال خود آگاه می نمایند. همچنین وب سایت های رسانه های اجتماعی مانند فیس بوک، توئیتر، یوتیوب، و وبلاگ های مختلف آنلاین سبب می شوند تا صدای افرادی که در صورت نبود آنها شنیده نمی شد، شنیده شود. (Rohr Lopes, 2014:2) به بیان دیگر، فضای سایبر دنیای بیکرانی از امکانات و قابلیت های بی شمار است که بدون محدودیت در دسترس همگان قرار دارد و هر کس با هر انگیزه و هدفی می تواند از این امکانات بهره برداری کند. بی تردید جنبش های جدید هم خود را از این قاعد مستثنی نبودند. آن ها همانند همه این حق را برای خود قائل می شوند که از امکانات بی شمار این فضا در راستای تحقق اهدافشان بهره برداری کنند. (گوهری مقدم، ۱۳۹۱: ۱۸)

در همین راستا ایرل و شادسون نیز معتقدند چنین کاهش هزینه های عملیاتی، افراد را توانا می سازد دوباره حول یک موضوع و هدف، گرد آیند و به اعتراض خود در قبال یک مسئله ادامه دهند و سامان دهی شوند و ممکن است موضوع اعتراض سازماندهی شده آنلاین شود. گروه های رادیکال ممکن است در مراکز خرید و خیابان ها جمع نشوند، ولی می توانند در نتیجه کاهش زیاد هزینه های کلی، به شکل آنلاین ارتباط برقرار کنند و بسیج شوند. (محمدی بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۲۰۷) و در واقع کاهش هزینه و افزایش بهره وری از بسیج و هماهنگی با نظر به اقدام مستقیم آنلاین، یکی از ویژگی های اصلی شبکه های اجتماعی و تلفن های هوشمند است. (Cammaerts, 2015:5) که امروزه در اختیار جنبش های اجتماعی قرار گرفته است و آنها می توانند خارج از محدودیت های گذشته، از آنها جهت تحقق اهدافشان استفاده نمایند. و این فرصتی که رسانه و فن آوری های ارتباطی نوین در رابطه با جنبش ها اجتماعی به وجود آورده اند.

۳) انعکاس جهانی اقدامات جنبش: از جمله دیگر تحولات صورت گرفت توسط رسانه ها در قبال جنبش های اجتماعی را می توان در موضوع بازتاب اقدامات این جنبش ها در ابعاد وسیع تر لحاظ نمود. در واقع برخلاف جنبش های اجتماعی کلاسیک که بیشتر بعد اقدامات آنها

محدود به یک منطقه خاص و معمولاً در داخل کشورها بود، اما امروزه جنبش های اجتماعی نوین در نتیجه وجود رسانه های نوین و قابلیت آنها، بازتاب فعالیت های خود را می توانند با محدودیت کمتری در فراتر از مرزها و در گستره جهانی مشاهده کنند.

در حقیقت یکی از ویژگی های بارز رسانه ها در عصر نوین، بعد و گستره عملکرد آنها در سطح جهانی و فرامرزی می باشد. ماهیت فرامرزی فضای سایر، آن هم به گونه ای که هیچ یک از موانع و مرزهای موجود در دنیای فیزیکی در آن ملاحظه نگردد، یک ویژگی اساسی محسوب می شود و مزایای بی شماری از آن نشأت می گیرد. (غفاری، ۱۳۹۲: ۶۹) در واقع می توان گفت که امروزه دیگر فناوری های اطلاعاتی، دارای مرکز و راس نیست و گروهها و فعالان سیاسی می توانند از هر نقطه اتصال وارد شبکه شوند و افکار عمومی جهانی را علیه رژیمهای اقتدارگرا بسیج کنند. همچنین، اهمیت فناوریهای نوین، به اندازه ای زیاد است که برخی از واژه «تله دموکراسی» یا «دموکراسی از راه دور» یاد می کنند؛ منظور آن که؛ رسانه های نوین، پادزهر آزادی را به چهار گوشه جهان اشاعه می دهند و با انعکاس واقعیتهای و اطلاعات سیاسی و بیدارسازی سیاسی، می توانند به دموکراسی در سطح جهان سرعت بخشند. (سردارنیا، ۱۳۸۶: ۱۰۸) به طوری که جاستین ویدز مسئول صفحه توییتر جنبش وال استریت در این رابطه معتقد است: ما با استفاده از شبکه های اجتماعی صدای جنبش را به تمام نقاط جهان انعکاس می دهیم. (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۶۲)

به هر حال آنچه مسلم است در حوزه جنبش های اجتماعی، فضای جریان ها دارای اهمیتی بیشتر از فضای مکان ها می باشد. هرچند، بدون فضای مکان ها، سیاست همانند هر جزئی از زندگی انسانی ناممکن می گردد، اما در حوزه فعالیت سیاسی و به ویژه جنبش های اجتماعی فضای جریان ها تعیین کننده ترین عنصر در سه حوزه اصلی جنبش یعنی حوزه آگاهی، حوزه همبستگی و حوزه برساختن هویت است. (عسگرخانی، ۱۳۹۳: ۸۳) بنابراین امروزه تکوین و به هم مرتبط شدن فناوری های اطلاعات و ارتباطات مانند اینترنت، پست الکترونیک، تلویزیون ماهواره ای و تلفن های همراه، با سرعتی تکان دهنده در حال انتشار در سراسر جهان است. بی گمان اینترنت چشمگیرترین این فناوری هاست. اینترنت از چند وب سایت محدود در اوایل دهه ۱۹۹۰ چنان رشدی پیدا کرد که در آغاز هزاره جدید میلادی چندین میلیون وب سایت را در بر می گرفت. وانگهی، هزینه های تولید، استفاده و انتقال اطلاعات پیوسته کاهش یافته و فناوری های اطلاعات و ارتباطات در دسترس شمار فزاینده ای از مردم سراسر جهان قرار گرفته است. (روزنا، ۱۳۹۰: ۹) بر این اساس آنها از تجربیات دیگران یاد می گیرند و در واقع اغلب از این تجربیات برای مشارکت در بسیج خود الهام می گیرند. علاوه بر این، آن ها مباحثه ای جهانی و مستمر در اینترنت دارند و گاهی برای راهپیمایی های جهانی مشترک و هم زمان در شبکه ای از فضاهای محلی فراخوان می دهند. (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۸۸) و این امر محقق نمی شود مگر در نتیجه توانایی هایی که رسانه در اختیار جنبش های اجتماعی نوین قرار داده است.

اما در مجموع می توان گفت که فناوری اطلاعاتی نوین موجب شده که رفتارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی ابعاد فوق منطقه ای یافته و اقشار مختلف در جهان از آن طریق با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از همفکری و حمایت یکدیگر بهره مند شوند. (حاتمی، ۱۳۸۸: ۹۹) و فعالیت و اهداف جنبش های اجتماعی، به خصوص آنهایی که بعد جهانی دارند، تنها محدود به یک محدوده جغرافیایی خاص نشود. و با اطلاع رسانی و انعکاس آن در سایر نقاط نیز می توانند حامیانی برای خود جذب نمایند.

۴) امکان جذب حامیان از سراسر جهان (بسیج نیرو): یکی از مسائلی که انواع گروههای اجتماعی به ویژه جنبش های اجتماعی به دنبال آن هستند، امکان رشد و گسترش حوزه فعالیت هایشان است که این امر خود نیازمند جذب حامی یا حامیانی در سطح وسیع، می باشد. در این رابطه رسانه های ارتباطی، هم از نظر مرجعیت و هم از نظر دسترسی، به شکلی فزاینده جهانی هستند و رسانه ها همچنین در فراهم آوردن منابع لازم برای شکل گیری جوامع معرفتی فراملی مهاجران و فعالینی که دارای تفکرات مشابه هستند کمک شایان توجهی می کنند. (صباهی، ۱۳۸۷: ۴) در واقع سازمان های جنبش های اجتماعی آنلاین می توانند از طریق فضای مجازی به طور مستقیم به میلیون ها کاربر دسترسی پیدا کنند؛ زیرا بسیاری از موفقیت های جنبش ها به دریافت عموم بستگی دارد و این یک ظرفیت و فرصت نه تنها برای دسترسی، بلکه برای پاسخ جامع به انتقاد، مواجهه با پوشش منفی و ارائه پیام خود بدون چون و چراست. یک وب سایت خوب با طراحی زیبا و اطلاعات به روز، به هر جنبشی مشروعیت خاصی می بخشد و دسترسی به مخاطب هدف را آسان می کند. (محمدی، بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۲۰۵)

با این وجود، کاربرد اتصال ها و پیوندهای فراملی که توسط فناوری های جدید ارتباطی به گونه ای گسترده تسهیل شده است، موسسان جنبش های اجتماعی و سازمان های غیر دولتی در جامعه های در فقر ننگه داشته شده می توانند منابع مادی و فکری کافی را برای سازماندهی عمل فراهم آورند. آنان با ارائه اطلاعات جدید به منابع مدرن ارتباطی می توانند توجه بیشتری را از سوی جهان به خود جلب کنند. همچنین قدرت نفوذگذاری و اعمال فشار به یکی از اجزای اصلی موفقیت جنبش های اجتماعی تبدیل می گردد. علاوه بر اهرم فشار و نفوذ، توانایی جنبش های فراملی در جهت ارائه اطلاعات نیز همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است. جمع آوری و توزیع اطلاعات، اعمال قدرت، دست

یابی به شهرت و موفقیت سیاسی همگی به بسیج منابع از طریق وسایل جدید ارتباطی می انجامند. (رهبری، ۱۳۹۳: ۲۸۵-۲۸۶) به طوری که حتی افرادی چون جانسون و کی (۱۹۹۹) و نوریس (۲۰۰۲) استدلال می کنند که مشارکت در سیاست از طریق استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات تسهیل شده است. (Walgrave, Van Aelst, 2002:466)

اما در مجموع جلب حمایت جامعه مخاطبین مورد نظر و حتی عضوگیری از میان آنها، از جمله مسایل لازم در جنبش های اجتماعی- سیاسی جدید است. حال با توجه به اینکه فضای مجازی امکانات رسانه ای بسیار گسترده تر با تأثیرگذاری بسیار بیشتر را با هزینه بسیار ناچیز نسبت به امکانات رسانه ای دنیای فیزیکی در اختیار همگان قرار داده است، جنبش ها نیز با بهره گیری از آنها و ساخت انواع برنامه های تبلیغاتی چندرسانه ای به جلب حامی و جذب نیرو می پردازند. (غفاری، ۱۳۹۲: ۷۰) چرا که نقش آفرینی در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جنبش های اجتماعی بستگی زیادی به جلب توجه افکار عمومی و نیز جذب حامی دارد. و با استقبال وسیع کاربران اینترنتی از شبکه های اجتماعی می تواند در سطح فرامرزی این امر محقق شود. اما در مجموع با بررسی این چهار میحث تا حدودی این مسئله روشن شد که رسانه های نوین می توانند با در اختیار گذاشتن قابلیت های جدید، چگونه در تحول جنبش های اجتماعی موثر واقع شوند. اما در کنار این موضوع، محور دیگر تأثیرگذاری رسانه های اجتماعی به ایجاد تحول در کارکرد جنبش های اجتماعی نوین برمی گردد که با وجود آنها روند عملکرد جنبش های اجتماعی متحول خواهد شد.

رسانه و تحول در کارکرد جنبش های اجتماعی نوین؛

اما در ارتباط با تأثیر و نقش رسانه های نوین بر جنبش های اجتماعی نوین، بخشی از این تأثیر و نقش آفرینی به تحول در نوع کارکردهای جنبش های اجتماعی نوین توسط رسانه ها مربوط می شود. به این صورت که رسانه های نوین با توجه به ویژگی و قابلیت های موجود در آنها، توانسته اند زمینه ساز تحول در بسیاری از کارکردهای جنبش های اجتماعی نوین گردند. که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

(۱) نقش رسانه در مدیریت و رهبری جنبش های اجتماعی نوین؛ از جمله تفاوت های اساسی مابین جنبش های اجتماعی کلاسیک و نوین، در نوع رهبری و نقش آن در سازماندهی جنبش های اجتماعی مربوط می شود. به نحوی که در جنبش های کلاسیک معمولاً رهبریت جریات توسط اشخاص و ایدئولوک ها صورت می گرفت و این اشخاص کاریزماتیک بودند که جریانات را رهبری می کردند و نقش تبلیغ و اشاعه ارزش ها و عقاید جدید و نیز تعیین اهداف را برای اعضا و توده اجتماع بر عهده داشتند. اما با تحول و پیشرفت های صورت گرفته به ویژه در رسانه های ارتباطی، امروزه شرایط برای جنبش های اجتماعی نوین متفاوت از گذشته شده است. به طوری که اکثریت فعالیت های اعتراضی، فراخوان ها و حتی پیدایش این جنبش ها، بر خلاف جنبش های کلاسیک که معمولاً توسط یک رهبر در فضای واقعی صورت می گرفت، امروزه توسط رسانه های اجتماعی مدیریت و انجام می گیرد.

در حقیقت این رسانه ها هستند که امروزه نقش محوری در فعالیت جنبش های اجتماعی ایفا می کنند و به دلیل جایگاهی که دارند معمولاً رهبریت این جنبش ها را بر عهده دارند. اصل بی رهبری حقیقتاً آزمونی در سازماندهی جنبش اجتماعی بود. این تجربه، نادرستی فرضیه های جآفتاده ای را نشان داد که مدعی اند هیچ فرآیند سیاسی اجتماعی نمی تواند بدون نوعی از راهنمایی راهبردی و اقتدار عمودی کار کند. در جنبش اشغال (وال استریت)، هیچ گونه رهبری سنتی، هیچگونه رهبری فکری و هیچ گونه رهبری کاریزماتیکی وجود نداشت؛ و مطمئناً هیچ گونه رهبری شخصی هم وجود نداشت. یک رشته کارکردهای رهبری وجود داشت اما آنها نیز به صورت محلی از طریق یک مجمع عمومی اعمال می شد که به طور منظم در فضای اشغال شده تشکیل جلسه می داد. (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۶۰) بنابراین امروزه گروه های آنلاین خودسازماندهی شده ای از معترضان وجود دارند که به سرعت گرد هم می آیند و ملاقات های بی وقفه و مستمری دارند و به شکل ارگانیک، افقی و بدون رهبری مرکزی با هم همکاری می کنند. به دلیل اینکه اعضای آنها بدون زنجیره دستوری با یکدیگر ارتباط و همکاری دارند و برنامه خودشان را انجام می دهند، سازمان جنبش های اجتماعی آنلاین در یک ساختار ابرگونه، پیوسته و زیگزاگی هستند. این سازمان جنبش های اجتماعی به شدت نامتمرکز و انطباق پذیرند و قدرت مانور بیشتری در تضادها و اختلاف های مربوط به خود دارند؛ زیرا کنش ها و اعمال به جای رهبری مرکزی، با یک برنامه سیاسی عمومی به هم می پیوندند. (محمدی، بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۲۰۳) در واقع از آنجا که جنبش ها، شبکه ای از شبکه ها هستند، می توانند بدون اینکه یک مرکز قابل شناسایی داشته باشند، از طریق تعامل بین هسته های چندگانه، کارکردهای هماهنگی و نیز هم اندیشی را تضمین کنند. پس، این جنبش ها نیازی به رهبری رسمی، مرکز فرماندهی و کنترل، یا سازمانی عمودی برای توزیع اطلاعات یا دستورالعمل ها ندارند. این ساختار مرکززدایی شده امکان مشارکت در جنبش را به حداکثر می رساند زیرا با توجه به اینکه

این جنبش ها شبکه هایی ته باز و بدون مرزهای مشخص هستند، همیشه خود را مطابق سطح مشارکت جمعیت بازپیکربندی می کنند. (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۸۷)

پس در مجموع می توان گفت که امروزه، رسانه های اجتماعی به طور فزاینده نقش سازنده را در سازماندهی جنبش های اجتماعی و نیز بسیج آنها در سطح جهانی ایفا می کنند. (Cammaerts, 2015: 2) و در مورد انقلاب و قیام ها، این رسانه است که مدیریت انقلاب و قیام را برعهده می گیرد و بدون اینکه رهبری مشخص برای حرکت معلوم باشد، جنبش مردمی به حرکت خود ادامه می دهد. عنوان «جنبش بی سر» به همین جهت برای چنین حرکت هایی انتخاب شده است. (کوهکن، ۱۳۹۱: ۶۹) و این موضوع کاملاً متفاوت از گذشته است و در نتیجه رشد و پیشرفت و تحول و نقش آفرینی رسانه ها در تحولات اجتماعی جامعه امروز می باشد.

۲) کارکرد شناختی و تبلیغاتی: آنچه مسلم است هر جنبش اجتماعی در بدو پیدایش، بنابه فلسفه وجودی آن، دارای یکسری عقاید و دیدگاه ها نسبت به شرایطی که زمینه ساز شکل گیری آن شده است و نیز آینده و اهدافی را که در جهت تحقق آنها می کوشد، می باشد. بر همین اساس، جنبش های اجتماعی نوین نیز امروزه با استفاده از رسانه های نوین از جمله اینترنت و ماهواره ها، به معرفی دیدگاه ها، عقاید و سوابق فعالیت های خود می پردازند. در حقیقت امروزه پیشرفت فن آوری و گسترش رسانه های جمعی، تحولات فراوانی در ارتباطات و عرصه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... پدید آورده است. فضای مجازی، اینترنت و فن آوری های ارتباطی و اطلاعاتی به عنوان پدیده ای اجتماعی تبدیل شده است. در این میان، اینترنت و فن آوری های ارتباطی و اطلاعاتی جدید در کنار دیگر کارکردهای شان، از یک سو آگاهی سیاسی افراد را افزایش می دهد و از سوی دیگر، آنها را در مناسبات سیاسی درگیر می کند. از آنجا که فضای مجازی به عرصه ای برای گفت و گو تبدیل شده و ویژگی اصلی آن، پویایی این فضا است که با توجه به ابزارهایی که در اختیار کاربران قرار می دهد، سبب می شود افراد بهتر بتوانند گرایش های سیاسی و کنش جمعی خود را نشان دهند. (محمدی، بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۱۸۵) به بیان دیگر شبکه های رایانه ای و اینترنت، افراد را قادر ساخته اند از یک سو، مهارت هایشان را در جهت انطباق بیشتر با نیازها و پیچیدگی های روز افزون جهان تغییر دهند و از سوی دیگر، با آگاهی از سبک زندگی و رفاه سایر جوامع، سطح انتظارات و مطالبات از نظام های سیاسی متبوع خود را افزایش دهند. (نورمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۶)

با این حال رسانه های اجتماعی به طور گسترده در جنبش های اجتماعی برای آموزش، سازمان دهی، اشتراک فرآورده های فرهنگی جنبش، ارتباط، ایجاد همبستگی و مانند آنها مورد استفاده قرار گرفته است. کنشگران اجتماعی نیز از قابلیت های شبکه ارتباطی برای پیشبرد برنامه ها، دفاع از ارزش ها و علائق خود استفاده می کنند. (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۱۵۷) بنابراین در مجموع موضوع آگاهی بخشی و ترویج دیدگاه ها و عقاید جنبش های اجتماعی نوین امروز با وجود رسانه های نوین و قابلیت های موجود در آنها، متحول شده و از بعد و گستره بیشتری برخوردار گشته است.

۳) کارکرد هویت سازی: کارکرد هویت سازی در واقع به این موضوع اشاره دارد که افرادی که دارای عقاید خاصی می باشند و نیز خواستار آن هستند که با افراد و گروه های هم عقیده با خود، با این هدف که به همگنی بیشتر در عقاید و دیدگاهها برسند تشکیل یک گروه بدهند. و در این بین رسانه های اجتماعی را ابزار مناسبی می بینند. لذا رسانه های اجتماعی نیز با ارائه الگوهای مختلف، نشانه ها، سمبل ها، آیین و مناسک در برابر افراد در فرآیند شکل گیری هویت سازی نقش بارزی دارند.

اما برای توضیح این موضوع در ابتدا باید توجه داشت که ایجاد هویت، مقدم بر کنشگری، سازماندهی و اعتراض است. جنبش های اجتماعی، ریشه در هویت های فردی و گروهی دارند. اینترنت از ظرفیت بسیار بالایی برای ایجاد هویت جمعی به نام جنبش های اجتماعی برخوردار است. با برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات و باورها در فضای سایبرنتیکی است که هویت های فردی و گروهی برخوردار از باورهای مشترک، می توانند یک جنبش اجتماعی را تشکیل دهند. (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۲۶۲) در واقع رسانه ها، گستره ای وسیع از داده ها را فراروی شخص قرار می دهند تا او براساس نیازها و خواست های خود از میان آنها دست به انتخاب بزند و در مرحله تغییر هویت، خود را با آن داده ها تطبیق دهد. (امیرانتخابی، حیران نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

در هر حال رسانه ها یک نقش محوری در گسترش و تغییر حوزه های تجربه فردی ایفاء می کنند. رسانه ها با گسترش غیرقابل محاسبه طیف پدیده هایی که افراد می توانند تجربه مستقیمی در رابطه با آنها پیدا کنند (هرچند شاید این تجربه کاذب باشد) در شکل گیری افکار عمومی دخالت می کنند و به تعاریف هویت های فردی و جمعی کمک می نمایند. بنابراین کنترل رسانه ها و تولید سمبلیک، هم مقدمه ای ضروری برای هرگونه تلاش در جهت بسیج سیاسی و هم منبعی مستقل برای منازعه به شمار می رود. در حقیقت کنترل منابع فکری که همواره برای موفقیت عمل جمعی ضروری هستند، بدون دسترسی به رسانه های جمعی هر روز ناممکن تر می شود. (دلایوتا- دیانی، ۱۳۹۰: ۶۶) بر همین

اساس است که گفته می شود رسانه های اجتماعی به طور بالقوه با ارائه فرصت (جدید) برای شهروندان و گروه های فرودست در جامعه، منجر به دور زدن کنترل دولت و نیز خلق هویت های جمعی جایگزین می شوند. (Cammaerts, 2015:5) به عبارت دیگر شبکه های اجتماعی شکل اجتماعی نوینی از ارتباطات را به وجود آورده اند که در عین حالی که توده ای است، اما به صورت انفرادی تولید و دریافت می شود و تأثیر می گذارد. با این همه، در سراسر جهان، به ابزاری در خدمت جنبش های اجتماعی تبدیل شده است. این جنبش ها، باید بتوانند برای دستیابی به اهداف خود، در سه زمینه توانمندی داشته باشند: شکل دادن به هویت جمعی، متقاعد ساختن پیروان خود و بسیج آنها. این جنبش ها، با استفاده از فناوری های جدید اطلاعاتی، می توانند به راحتی به هر سه هدف نام برده، دست یابند. در این شبکه ها، تأثیر بر افکار عمومی و بسیج آن، به گونه ای است که به واسطه این رسانه ها، نوعی فضای عمومی شکل می گیرد و بسیاری افراد، بدون آنکه یکدیگر را ببینند و تبادل نظر کنند، مانند یکدیگر فکر و در نتیجه مانند یکدیگر نیز عمل می کنند. بر این اساس، از طریق تولید پیام، شعار و اندیشه، به شیوه ای هنری و از طریق تصویر، گرافیک، صدا و موسیقی، تصورها دستکاری و بسیج می شوند و در نهایت فعالیت سیاسی، این امکان را می یابد که با زندگی روزمره آمیخته شود. (ابراهیمی فر، یعقوبی فر، ۱۳۹۳: ۸۲-۸۳)

با این وجود نکته ای که در رابطه با شکل گیری هویت ها توسط رسانه ها باید مورد توجه قرار داد این است که اگر رسانه های جمعی حالت یک سویه داشته باشند و در مقام تولید معانی، خود را مستقل و مستغنی از فرهنگ و معانی گروه های اجتماعی بدانند، به طور قطع منجر به هویت مندی پویا و پایا نخواهند شد؛ زیرا هویت با نقش اجتماعی تفاوت دارد. هویت فرایندی خودخواسته و براساس تمایل و شناخت باطنی است. بنابراین تحمیل هویت در قالب معانی اجتماعی امکان تحقق نمی یابد. اگر ارتباطات و رسانه های جمعی بخواهند به سوی یک سویه شکل بگیرند و فرایند هویت بخشی را از منابعی غیر از مردم یا گروه هایی که هویت را به صورت درونی و خودانگیخته و خودساخته تولید می کنند، دریافت می کنند، چنین فرآیندی منجر به شکست می شود. (مزیدی، امام داد، ۱۳۹۰: ۱۶۹) اما در جوامعی که رسانه های جمعی رابطه ای دوسویه با فرهنگ و مردم دارند و معانی، نمادها و ... را از مردم و جامعه اقتباس می کنند و دوباره آنها را بدون دخل و تصرفی چند به مردم باز می گردانند، چنین رسانه های جمعی، سخنگوی اکثریت مردم و سخنگوی فرهنگ و هویت های اکثریتی به شمار می روند. (همان: ۱۶۹-۱۷۰). بنابراین تکیه بر رسانه هایی که در تعاملات خود حالت دوسویه دارند، همانند شبکه های اجتماعی برای تحقق هویت های جمعی مورد تاکید است.

۴) کارکرد شبکه سازی و ایجاد ائتلاف؛ موضوع شبکه سازی و همچنین ایجاد ائتلاف با دیگر جنبش های اجتماعی در دنیایی امروز از اهمیت بسیار بالای برخوردار است و می تواند آنها را در راستای تحقق اهدافشان یاری نماید. اما این موضوع که بیشتر معطوف به جنبش های امروزین و نوین می باشد، از جمله کارکردهایی است که با استفاده از ابزار رسانه و شبکه های اجتماعی صورت می گیرد. در واقع یکی از کارکرد های مهمی که رسانه و شبکه های اجتماعی در ارتباط با جنبش های اجتماعی نوین نقش بارزی دارند، به موضوع شبکه سازی و ایجاد ائتلاف میان اعضای جنبش از یک طرف و نیز با دیگر جنبش ها اجتماعی از طرف دیگر مربوط می شود. آنچه مسلم است این که فضای سایبرنتیکی از پتانسیل بالا برای جستجوی همتایان، ایجاد ائتلاف و هماهنگ سازی اهداف و تاکتیک های مبارزاتی برای این بازیگران برخوردار است. (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۲۶۵) به عبارت دیگر، فناوری های ارتباطی در راستای تقویت مشارکت سیاسی و ارتباط افقی شهروندان به وجود آمده است. شهروندان می توانند منظومه های ایدئولوژیک و سیاسی مختص به خود را تشکیل دهند و در حال حاضر نیز تشکیل می دهند؛ منظومه هایی که بر ساختار سیاسی مستقر پیشی می گیرند و بدین ترتیب عرصه سیاسی انعطاف و انطباق پذیری ایجاد می کنند. (سلطانی فر، ططری، ۱۳۹۰: ۱۶۸) با این وجود، واقعیت جنبش های اجتماعی حاکی از وجود تنوع گفتمان در جوامع است. تفاوت گفتمانی موجب صف بندی های فکری و ارزشی شده و آنها را به سمت استفاده از اهرم های فشار اجتماعی سوق می دهد. از این رو، نسبت نزدیکی بین مقوله های جنبش های اجتماعی و گفتمان های فضای سایبری وجود دارد. شبکه های اجتماعی، با قابلیت های ارتباطی و سرمایه های اجتماعی نهفته در آنها بسترهای مناسبی برای رشد گفتمان ها و جنبش های فکری- اجتماعی شده اند. (خانیکی، بابایی، ۱۳۹۰: ۸۹)

بدین ترتیب در شرایط کنونی که جوامع بشری در عصر اطلاعات زندگی می کنند، فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، به ویژه اینترنت، می تواند منجر به شکل گیری حوزه عمومی مجازی شود. اگر مؤلفه های اساسی حوزه عمومی را «گفت و گو»، «افکار عمومی» و «کنش» بدانیم، اینترنت بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از این مؤلفه ها است. افراد می توانند از طریق اینترنت به گفت و گو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه بپردازند و از این طریق افکار عمومی به عنوان «صدای مردم» شکل بگیرد و هر یک می توانند در مخالفت یا موافقت با یک مسئله و موضوع اجتماعی و سیاسی دست به کنش بزنند. بنابراین، می توان گفت که در دنیای امروزین، شبکه سازی اجتماعی نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع ایفا می کنند و می توانند به عنوان ابزاری برای اطلاع رسانی و هماهنگ سازی اقدامات در

اختیار کاربران قرار گیرد. (نورمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۶) به این صورت که تکنولوژی و ارتباطات با اطلاع رسانی و پیوند دادن گروه های همفکر با یکدیگر، تحولات سیاسی را سرعت می بخشد. رسانه های جدید و شبکه های اجتماعی نیز بیشتر نقش اطلاع رسانی، هماهنگی و پیوند مردم را انجام می دهند. در واقع اینترنت و شبکه های اجتماعی با فشرده سازی زمان و مکان، سرعت ارتباطات و پیوندهای درون سازمانی را بین فعالان و هواداران اعتراضات که از حیث جغرافیایی از یکدیگر فاصله دارند به صورت بی سابقه ای افزایش داده است. (آقایی، ۱۳۹۱: ۱۳) بنابراین ایجاد ائتلاف و شبکه سازی، هم می تواند در سرعت عمل جنبش های اجتماعی مفید باشد و قدرت و توان تاثیرگذاری آنها را افزایش دهد و هم اینکه این جنبش ها را نسبت به مواضع همدیگر آگاه، و عملکرد آنها را هماهنگ سازد و این موضوعی است که رسانه های نوین زمینه ساز آن برای جنبش های اجتماعی نوین هستند.

۵) کارکرد سازماندهی اعتراضات: در حقیقت همانگونه که بیان شد، فلسفی وجودی اکثریت جنبش های اجتماعی در یک موضوع با هم اشتراک دارند و آن اعتراض نسبت به وضع موجود و تغییر و اصلاح آن می باشد. بنابراین اعتراض به اشکال مختلف و چگونگی سازمان دهی آن جزء فعالیت های این جنبش ها قرار می گیرد. با این وجود امروزه با کاهش اعتماد عمومی به احزاب سیاسی، جنبش های اجتماعی و سازمان های غیر دولتی، نقش مهمی در سازماندهی رفتارهای اعتراضی و بیان اعتراض ها در جوامع دموکراتیک دارد. (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۹) موضوعی که در ارتباط با جنبش های اجتماعی نوین در تحولات امروز جوامع بشدت چشم گیر است.

در واقع جنبش های اجتماعی نوین به شدت به رسانه و شبکه های اجتماعی وابسته هستند و بسیاری از فعالیت های خود را تحت حمایت رسانه ها تحقق می بخشند. بنابراین در مبحث اعتراضات و سازماندهی آنها نیز این رسانه ها و شبکه های اجتماعی و مجازی هستند که نقش آفرینی می نمایند. امروزه اینترنت و شبکه های اجتماعی با اطلاع رسانی سریع درباره مسائل حاد جامعه بشری، انتقال نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات، به کنش های اعتراضی گسترده دامن می زنند. مهم تر از همه از طریق شبکه سازی و سازماندهی، به جذب هواداران بیشتر و انسجام درونی و از سوی دیگر به ایجاد اتحاد و ائتلاف میان بازیگران اجتماعی می پردازند. (آقایی، ۱۳۹۱: ۱۴) به عبارت دیگر، اینترنت با بهره گیری از قابلیت هایی همچون وب سایت ها، وبلاگ ها، سایت های خبری و ... افزایش آگاهی های سیاسی و گسترش نگرش های مدنی و دموکراتیک را در کاربران موجب می شود و با بسیج کاربران برای مشارکت سیاسی، افراد و گروه های در حاشیه مانده را در فعالیت های سیاسی و اعتراضی درگیر می سازد. (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۶) در حقیقت می توان گفت که کاربرد شبکه های اجتماعی این امکان را به جنبش های اجتماعی می دهد که روش های سنتی بیان اعتراض خود، همانند راهپیمایی ها، اعتراض ها، شعارها و استفاده از نمادها را آسان تر به کار برد و آنها را با روش های نمادین جدید ترکیب کنند. بر همین اساس، این جنبش ها توانمندی بیشتری برای جذب طبقه جوان جامعه و شکل دادن به افکار عمومی دارند. (ابراهیمی فر؛ یعقوبی فر، ۱۳۹۳: ۸۳)

در کل می توان گفت که ویژگی قابل توجه فعالیت عمومی اخیر، استفاده از فضای مجازی از سوی طیف گسترده ای گروه های فعال در اعتراض های سیاسی و اجتماعی است. اینترنت نه تنها بسیج و مشارکت در گونه های سنتی اعتراضی، مثل اعتراض های خیابانی ملی را تسهیل می کند، بلکه با توسعه راه های ارتباطی و بسیج با سرعت بیشتر و موثر، به این اعتراض ها، ویژگی فراملی می بخشد. در حقیقت، برقراری ارتباط از طریق اینترنت و فضای مجازی برای جنبش های جدید سیاسی- اجتماعی ایده ال است. زیرا این روش نامتمرکز بوده، قابلیت کنترل کمتری دارد و هویت افراد در آن به راحتی فاش نمی شود و دسترسی آزاد را برای هرکس که خواهان آن باشد، امکان پذیر می سازد. (محمدی؛ بیچرانلو، ۱۳۹۳: ۱۹۶) به بیان دیگر شبکه های اجتماعی اینترنتی حمایت کافی برای مردم بسیج کردند تا به یکدیگر بپیوندند و فضای عمومی را اشغال کنند و به این ترتیب اعتراض خود را {از فضای مجازی} به روی زمین بیاورند. (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۵۴) برای نمونه می توان به موارد اخیر اشاره نمود. مثلاً در هر دو کشور تونس و مصر آغاز جنبش های اجتماعی، با استفاده جوانان سازمان یافته طبقات متوسط از رسانه های جمعی اجتماعی برای هماهنگ سازی حرکت و انتقال پیام اعتراضی آغاز گردید. (Behr & Aaltola, 2011: 5) بر همین اساس اصطلاحاتی چون «انقلاب فیس بوکی»، «انقلاب تویتري»، «انقلاب اینترنتی»، «انقلاب سایبری» و غیره، اگرچه شاید ماهیتی شعارگونه داشته و از دقت علمی به دور باشند، اما اهمیت ارتباطات جدید در فرایندهای انقلابی مصر و سایر کشورهای خاورمیانه را نشان می دهند. (نظری؛ قلی پور، ۱۳۹۰: ۴۱) و از نقش و جایگاه رسانه های نوین در این اعتراضات و سازماندهی های که با کمک آن صورت می گرفت، حکایت دارد.

نتیجه گیری:

اما یافته هایی این پژوهش را در کل می توان در چند بخش بیان نمود. ابتدا این که رسانه و بویژه رسانه های نوین امروزه از جایگاه خاص و غیرقابل انکاری در تحولات مختلف جوامع و رشد و پیشرفت های آن برخوردار است. به نحوی که نمی توان بدون شناخت و در نظر گرفتن این ابزار، به درک درستی از جامعه ای امروزی و تحولات در حال وقوع آن دست یافت. در واقع نقش مسلط رسانه ها در شکل دهی، جهت دادن و مدیریت افکار عمومی، این واقعیت را نشان می دهد امروزه دیگر هیچ تحولی بدون نقش آفرینی رسانه قابل تصور نیست. و این امر از قدرت و قابلیت های موجود در رسانه نشأت می گیرد.

حال با توجه به این موقعیت رسانه و نقش آفرینی آن در تحولات مختلف اجتماعی، یکی از حوزه هایی که امروزه متاثر از وجود رسانه و رشد و پیشرفت آن می باشد، به پدیده جنبش های اجتماعی نوین برمی گردد. به گونه ای که این ابزار توانسته است با در اختیار داشتن قابلیت های فراوان در ابعاد مختلفی بر آن تاثیرگذار باشد. و این موارد را می توان در سه محور خلاصه نمود. که ابتدا در ارتباط با نحوی پیدایش جنبش های اجتماعی نوین و نقش رسانه ها در این مورد، می توان گفت که یکی از تاثیرات مهمی که رسانه های نوین در تحولات اجتماعی داشته اند، زمینه سازی و کمک به پیدایش جنبش های اجتماعی در عصر نوین می باشد. در واقع رسانه و شبکه های ارتباطی فراهم کننده نوعی فضای خودمختار برای ظهور جنبش های اجتماعی هستند.

محور بعدی بحث به تاثیر رسانه در ایجاد توانایی های جدید برای جنبش های اجتماعی نوین اشاره دارد. در حقیقت تاثیر رسانه بر جنبش های اجتماعی، تنها در چگونگی پیدایش و ظهور جنبش های اجتماعی نوین محدود نمی شود، بلکه رسانه های نوین توانسته اند در مواردی همچون؛ نوع تعامل، امکان جذب حامی، بازتاب اقدامات جنبش ها و همچنین چگونگی جذب امکانات نیز برای جنبش های نوین موثر واقع شوند. به بیان دیگر وجود رسانه های نوین اجتماعی توانسته است زمینه ساز تحولات خاصی در جنبش های اجتماعی به ویژه در عرصه ارائه توانایی های جدید برای جنبش های نوین شوند. مواردی که خود نقش اساسی در حیات و تداوم جنبش های اجتماعی نوین دارند و از اهمیت زیادی برای این جنبش ها برخوردار است. با این حال بعد دیگر نقش آفرینی رسانه در ارتباط با جنبش های نوین اجتماعی به موضوع تحول در کارکرد جنبش های اجتماعی نوین مربوط می شود. به این صورت که رسانه های نوین با توجه به ویژگی و قابلیت های موجود در آنها، توانسته اند زمینه ساز تحول در بسیاری از کارکردهای جنبش های اجتماعی نوین گردند. که از این جمله می توان به نقش رسانه در مدیریت و رهبری جنبش های اجتماعی نوین اشاره کرد. همچنین کارکرد آگاهی بخشی و تبلیغات و نیز فرآیند هویت سازی، در کنار کارکرد شبکه سازی و ایجاد ائتلاف و همچنین چگونگی سازماندهی اعتراضات، ... از جمله کارکردهایی هستند که امروزه جنبش های اجتماعی نوین با وجود رسانه های نوین به آنها می پردازند.

اما در مجموع می توان گفت که امروزه به نحوی تمامی ابعاد جنبش های اجتماعی متاثر از رسانه ها است. از تبلیغ و اشاعه عقاید گرفته تا جذب مخاطب و همچنین شناخت موقعیت و تصمیم گیری، یا سازماندهی اقدامات که بدون وجود رسانه های نوین تحقق این موارد بسیار دشوار خواهد بود. در واقع همانگونه که مطرح شد یکی از تمایزهای اساسی مابین جنبش های نوین اجتماعی و جنبش های کلاسیک، به این مسئله بر می گردد که جنبش های نوین اجتماعی به دلیل هم عصر بودن با رسانه های اجتماعی نوین و رشد و توسعه آنها، بشدت به این فناوری برای انجام فعالیت های خود وابسته هستند.

منابع:

- (۱). آقایی، داود؛ صادقی، سعید؛ هادی، داریوش (۱۳۹۱). «واکاوی نقش اینترنت و رسانه های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا» (اطلاع رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات). فصلنامه: روابط خارجی. تابستان ۹۱. شماره ۱۴. (از صفحه ۷ تا ۳۴).
- (۲). ابراهیمی، فرطاهره؛ یعقوبی، فرحامد (۱۳۹۳). «تأثیر شبکه های اجتماعی بر افکار عمومی (بررسی موردی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸)». فصلنامه: دانش انتظامی پلیس پایتخت. بهار ۹۳. سال هفتم. شماره ۱. (از صفحه ۶۹ تا ۹۴).
- (۳). امیرانتخابی، شهرود؛ حیران نیا، جواد (۱۳۹۰). «کاربرد رسانه در هویت سازی». پژوهشنامه. تابستان ۹۰. شماره ۸۴. (از صفحه ۱۰۹ تا ۱۲۲).
- (۴). باقری هشی، مهدی؛ جاویدکار، مرتضی؛ آقامحمد، محسن (۱۳۹۲). «نقشبشکه های ماهواره ای فارسی زبان در پیشبرد اهداف آمریکا در جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی صدای آمریکا)». فصلنامه: رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال سوم. شماره اول، بهار و تابستان ۹۲. (از صفحه ۲۹ تا ۵۸).
- (۵). حاجی محمدی، علی و بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۳). «رسانه های نوین و تحولات بین المللی». چاپ اول. نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- (۶). حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۸). «جایگاه رسانه در جهان عرب با تأکید بر اینترنت». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. زمستان ۸۸. شماره چهارم. (از صفحه ۹۱ تا ۱۲۴).
- (۷). خانیکی، هادی؛ بابایی، محمود (۱۳۹۰). «فضای سایبر و شبکه های اجتماعی (مفهوم و کارکردها)». فصلنامه: انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی. دوره اول. شماره ۱. پاییز و زمستان ۹۰. (از صفحه ۷۱ تا ۹۶).
- (۸). دادگران، سیدمحمد (۱۳۹۲). «مبانی ارتباطات جمعی». چاپ نوزدهم. نشر: تهران: فیروزه.
- (۹). دلاپورتا، دوناتلا و دینا، ماریو (۱۳۹۰). «مقدمه ای بر جنبش های اجتماعی». ترجمه: محمد تقی دلفروز. چاپ سوم. انتشارات: کویر.
- (۱۰). رازقی، افشین (۱۳۸۴). «جهانی شدن رسانه های جمعی». فصلنامه: روابط عمومی. آذر و دی ۸۴، شماره ۳۸ و ۳۹. (از صفحه ۱۶ تا ۲۲).
- (۱۱). رستگارمقدم گوهری، هادی (۱۳۷۹). «کارکرد رسانه های جمعی». فصلنامه: پژوهش های اجتماعی اسلامی. خرداد و تیرماه ۷۹. شماره ۲۲. (از صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۶).
- (۱۲). روزنا، جمیز و دیگران (۱۳۹۰). «انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری های جدید». نشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ دوم. ترجمه: علیرضا طیب.
- (۱۳). رهبری، مهدی (۱۳۹۳). «جنبش های اجتماعی (کلاسیک، مدرن، پست مدرن)». چاپ اول، تهران: نشر کویر.
- (۱۴). سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸). «اینترنت، جنبش های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)». فصلنامه: پژوهش های ارتباطی. زمستان ۸۸، سال شانزدهم. شماره ۴. (از صفحه ۱۵۱ تا ۱۷۱).
- (۱۵). سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۰). «درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی جدید». نشر: تهران: میزان. چاپ اول.
- (۱۶). سالتربلی، (۱۳۸۳). «دموکراسی، جنبش های نوین اجتماعی و اینترنت». مترجم: پیروز ایزدی. مجله: رسانه. پاییز ۸۳. شماره ۵۹. (از صفحه ۱۳۳-۱۶۲).
- (۱۷). سلطانی، فرح محمد و ططری، خدیجه (۱۳۹۰). «تبیین تأثیر فناوری های ارتباطی بر جریان های سیاسی و اقتصادی». فصلنامه: نامه پژوهش فرهنگی، تابستان ۹۰. سال دوازدهم. شماره ۴۶. (از صفحه ۱۵۹ تا ۱۴۸).
- (۱۸). ساروخانی، باقر (۱۳۹۱). «جامعه شناسی نوین ارتباطات (رسانه ها در جهان امروز)». چاپ اول. نشر: تهران: اطلاعات.
- (۱۹). صباغی، علی (۱۳۸۷). «جهانی شدن و جنبش های اجتماعی». به اهتمام: جان گودری- میشل کندی- مایر زالد. ترجمه و گردآوری علی صباغی. مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، نشر: تهران: فخرآکیا. چاپ اول.
- (۲۰). عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۹۳). «نقش اینترنت و شبکه های اجتماعی در انقلاب های خاورمیانه و شمال آفریقا؛ نظریه و عمل». فصلنامه: مطالعات سیاسی جهان اسلام. پاییز ۹۳. شماره ۱۱. (از صفحه ۶۹ تا ۸۸).
- (۲۱). عسگرخانی، ابومحمد؛ قربانی، فاطمه؛ حلال خور، مهرداد (۱۳۹۳). «نقش رسانه های اجتماعی و شبکه سازی در انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و بحران های پس از آن». فصلنامه: پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم. پاییز ۹۳، شماره ۱۰. (از صفحه ۷۹ تا ۱۱۲).
- (۲۲). عبداللهی، رضا؛ شورگشتی، محسن؛ اخوت پور، بابک (۱۳۹۱). «نقش رسانه های نوین در جنبش های اجتماعی (مطالعه موردی جنبش تسخیر وال استریت)». فصلنامه: مطالعات فرهنگ ارتباطات. تابستان ۹۱. سال سیزدهم. شماره ۵۰. (از صفحه ۱۴۵ تا ۱۷۲).

- (۲۳). غفاری، جلال؛ دهقانی محمدآبادی، محمدصادق؛ نجارزاده، محمدرضا (۱۳۹۲). «نقش رسانه های مجازی و شبکه های اجتماعی در بیداری اسلامی، مطالعه موردی انقلاب تونس». فصلنامه: مطالعات بیداری اسلامی. بهار و تابستان ۹۲، سال دوم. شماره ۳. (از ۶۱ تا ۷۸).
- (۲۴). فولادی، محمد (۱۳۹۱). «چیستی رسانه با تاکید بر رسانه دینی». فصلنامه: معرفت فلسفی. تابستان ۹۱، سال نهم. شماره: ۳۶. (از صفحه ۱۹۵ تا ۲۲۸).
- (۲۵). کوهکن، علیرضا (۱۳۹۱). «نقش رسانه ها در انقلاب لیبی». فصلنامه: رسانه. دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها. سال بیست و دوم. زمستان ۹۰. شماره ۳ و ۴. (از صفحه ۶۷ تا ۸۲).
- (۲۶). کاستلز، مانوئل (۱۳۹۴). «شبکه های خشم و امید: جنبش های اجتماعی در عصر اینترنت». ترجمه: مجتبی قلی پور. چاپ دوم. نشر: تهران: مرکز.
- (۲۷). کبریایی زاده، حسین (۱۳۹۰). «نقش شبکه های اجتماعی در شکل گیری تحولات سیاسی و فرهنگی با تمرکز بر امواج بیداری اسلامی در خاورمیانه». فصلنامه: روابط فرهنگی. مهر ۹۰. شماره ۱. (از صفحه ۳۰ تا ۳۷).
- (۲۸). معتمدنژاد، کاظم (۱۳۹۴). «وسایل ارتباط جمعی». چاپ دهم. نشر: تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- (۲۹). موسوی، سید محمد؛ موسوی، سید محمد رضا؛ توتی، حسینعلی (۱۳۹۲). «جایگاه رسانه های جدید در تحولات اخیر خاورمیانه (مطالعه موردی کشور مصر)». فصلنامه: پژوهش های ارتباطی :: پاییز ۹۲. شماره ۳. (از صفحه ۱۵ تا ۳۴).
- (۳۰). مزیدی، علی محمد؛ امام داد، محمدجواد (۱۳۹۰). «تاثیر رسانه ها بر هویت». پژوهشنامه. تابستان ۹۰. شماره: ۸۴. (از صفحه ۱۴۹ تا ۱۷۲).
- (۳۱). موثقی گیلانی، احمد؛ عطار زاده، بهزاد (۱۳۹۱). «نقش و تائی فضای مجازی بر جنبش های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر». فصلنامه: پژوهشنامه علوم سیاسی. تابستان ۹۱، شماره ۲۷. (از ۱۴۷ تا ۱۹۲).
- (۳۲). نصرتی نژاد، فرهاد (۱۳۸۳). «ارتباطات، جهانی شدن و جنبش های اجتماعی (نگاهی اجمالی به جنبش اصلاح طلبی در ایران)». پژوهشنامه: علوم انسانی و اجتماعی. سال چهارم. شماره: چهاردهم. (از صفحه ۱۳۷ تا ۱۶۰).
- (۳۳). نگارش، حمید (۱۳۹۱). «رسانه و جنبش های نوپدید دینی». فصلنامه: بازتاب اندیشه. زمستان ۹۱. شماره چهارم. (از صفحه ۴۸ تا ۶۵).
- (۳۴). نظری، علی اشرف؛ قلی پور، مجتبی (۱۳۹۰). «ارتباط به مثابه انقلاب؟ (فناوری اطلاعاتی های - ارتباطی نوین و جنبش انقلابی مصر)». همایش اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا. اسفند ماه ۹۰. (از صفحه ۴۱۰ تا ۴۲۵).
- (۳۵). نورمحمدی، مرتضی؛ محمدی، رقیه (۱۳۹۲). «نقش شبکه های اجتماعی مجازی در انقلاب مصر». فصلنامه: تحقیقات سیاسی بین المللی. شماره چهاردهم. بهار ۹۲. (از صفحه ۱۳۹ - ۱۶۲).
- (۳۶). هیوود، اندرو (۱۳۹۳). «سیاست». چاپ چهارم، ترجمه: عبدالرحمن عالم. انتشارات: تهران: نی.

Rohr Lopes، Amandha. (2014). The Impact of Social Media on Social Movements: The New Opportunity and Mobilizing Structure. Creighton University

Van Aelst، Peter & Walgrave، Stefaan. (2002). NEW MEDIA، NEW MOVEMENTS? THEROLE OF THE INTERNET IN SHAPINGTHE 'ANTI-GLOBALIZATION'MOVEMENT. University of Antwerp، Belgium. pp. 465—493

Cammaerts، Bart. (2015). Social Media and Activism. The International Encyclopedia of Digital Communication and Society. pp. 1027-1034.

Behr، Timo & Aaltola، Mika (۲۰۱۱). «The Arab Uprising: Causes، Prospects and Implification»، available at: www.fiia.fi. p°.